گفت‌وگو

ایران از معادلات قفقاز حذف‌شدنی نیست

ادامه از صفحه ۲

ضمن اینکه حضور شرکت‌های آمریکایی در ارمنستان و جمهوری آذربایجان هم چیز جدیدی نیست و از قبل وجود داشته است.

باز هم به سؤال قبلی بازگردیم که بی‌پاسخ ماند. حتی اگر آنچه امضا شد، یک بیانیه و اعلامیه سیاسی باشد، نباید درباره تبعات آن ترسید؟ چون روندی بدون حضور ایران به‌عنوان بازیگر جدی قفقاز جنوبی در حال شکل‌گیری است.

من این را صراحتا عنوان می‌کنم که نه روسیه و نه به طریق اولی جمهوری اسلامی ایران، به‌هیچ‌وجه حذف‌شدنی نیستند. هیچ کشوری به اندازه ایران ظرفیت لازم را در کنار مرزهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان و نخجوان ندارد. هیچ کشوری مانند ایران به مرزهای ارس که به آن دالان زنگزور هم می‌گویند، مسلط نیست. نه‌تنها مرز ۳۵کیلومتری ارمنستان، بلکه کل خط مرزی از آستارا تا جلفا زیر نظر ایران است. پس هرگونه اقدامی ضد امنیت و منافع ملی ما یا تمامیت ارضی، با پاسخ قاطع ما مواجه خواهد شد. این مسئله مهم‌تری را یادآور می‌شود که ایران نمی‌تواند از معادلات قفقاز حذف شود، حتی اگر آمریکا بخواهد. بله، شاید یکی از محورهایی که در نشست سه‌جانبه کاخ سفید سعی شد بر آن تکیه شود، تلاش برای کم‌رنگ‌کردن نقش و نفوذ روسیه و همچنین ایران در قفقاز است. اما واقعیت‌های میدانی چیز دیگری را می‌گویند؛ اینکه روسیه و ایران نمی‌توانند از معادلات قفقاز حذف شوند.کمااینکه بعد از معادلات سال ۲۰۲۰ و جنگ دوم قره‌باغ، طیفی از ناظران معتقد بودند ایران از معادلات قفقاز، به‌ویژه قفقاز جنوبی، حذف شده است و کنار خواهد رفت، اما در این مدت دیدیم که واقعا ایران حذف‌شدنی نیست. پس اقدامات ترامپ و دیپلماسی نمایشی او هم برای حذف یا کنارگذاشتن ایران از معادلات قفقاز به نتیجه نمی‌رسد و می‌بینیم که معادلات قفقاز همان چیزی بود که جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد. قره‌باغ به آذربایجان بازگشت و از اشغال ارمنستان خارج شد و زنگزور هم طبق تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری همچنان در تمامیت ارضی ارمنستان است. جمهوری اسلامی ایران بارها بر این خطوط اصلی و کلی خود تأکید کرده و هم‌زمان به دنبال صلح و برقراری امنیت پایدار در منطقه و بین همسایگان بوده است.

زمان‌بندی این اقدام هم معنادار است. در شرایطی که ایران تمرکزی روی معادلات بعد از تجاوز ۱۲روزه اسرائیل دارد و از طرف دیگر، سایه جنگ احتمالی و فعال‌سازی مکانیسم ماشه بر سر تهران سنگینی می‌کند، این معادلات در قفقاز روی می‌دهد. آیا نمی‌توان این هم‌زمانی را اتفاقی دانست؟

اتفاقا می‌خواستم به همین نکته مهم اشاره کنم که مسئله ایران نیست، بلکه مسئله روسیه است. به هر حال، هم جمهوری آذربایجان و هم جمهوری ارمنستان رضایت کاملی از رفتار و اقدامات و سیاست روسیه در قفقاز ندارند و برای نشان‌دادن این نارضایتی، امتیاز این توافق را به آمریکا و ترامپ دادند و حتی ترامپ را هم به‌عنوان نامزد دریافت جایزه نوبل صلح مطرح کردند، مشابه همان کاری که بنیامین نتانیاهو انجام داد. اینجاست که نگرانی عمده من به این مسئله مهم بازمی‌گردد که تأکید و تمرکز جدی ارمنستان و آذربایجان بر سیاست غرب‌گرایانه و دخالت‌دادن هرچه بیشتر آمریکا در قفقاز، باعث بروز ناامنی جدیدی در این منطقه شود؛ چون روس‌ها این تحولات را به شکل جدی مدنظر قرار می‌دهند و بیم آن می‌رود که قفقاز هم به اوکراین دیگری تبدیل شود. باید تبعات این سیاست غرب‌گرایانه هم در ایروان و هم در باکو گوشزد شود و نباید پای کشورهای فرامنطقه‌ای به قفقاز باز شود. به همین دلیل است که جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد نباید کشورهای فرامنطقه‌ای در این منطقه و به‌ویژه در امر مدیریت مسیرهای مواصلاتی و کریدورها نقش‌آفرینی داشته باشند. و چه‌بسا همین حرکت نمایشی هم برای استقرار صلح در قفقاز، مقدمه یک مناقشه و جنگ دیگر باشد. واقعا فضا و محیط قفقاز شبیه به محیط اوکراین قبل از جنگ روسیه و اوکراین است. اکنون هم بیم آن می‌رود که مانند کی‌یف که تحریک شد در برابر مسکو قرار بگیرد، باکو و ایروان هم تحریک شوند در برابر کرملین بایستند. اینجا ایران می‌تواند نقش مهمی ایفا کند که مانع از بروز تنش و جنگ در قفقاز شود. باید پشت صحنه‌های تحولات اخیر در منطقه به آذربایجان، ارمنستان و حتی خود روسیه هم گوشزد شود تا مانع از بحران شود.

این انتقاد متوجه دولت پزشکیان و حلقه نزدیک به رئیس‌جمهور وجود دارد که باعث شده طیفی از ناظران عنوان کنند پزشکیان با برخی سفرها و اقدامات، عملا به شکل چراغ‌خاموش، پالس برای اقدامات باکو را داده است؟

من خودم به‌عنوان کسی که سفیر ایران در جمهوری آذربایجان بودم، از سیاست و دیپلماسی همسایگی دولت چهاردهم که در ادامه دیپلماسی پیرامونی دولت مرحوم شهید رئیسی قرار دارد، قدردانی می‌کنم و معتقدم این دیپلماسی در محوریت خود به دنبال تقویت روابط با کشورها و همسایگان است و دولت یک نگاه راهبردی را اعمال می‌کند. تمام سفرهای دکتر پزشکیان، چه به جمهوری آذربایجان و چه دیگر کشورها، یک توجیه راهبردی دارد. ضمن اینکه ما هیچ راهی برای توسعه نفوذ و افزایش قدرت خود در قفقاز جز افزایش سفرهای دیپلماتیک و مراودات سیاسی نداریم. باید به‌طور مکرر مذاکره تلفنی، مذاکره رودررو، توافق‌ها و گفت‌وگوها در دستور کار قرار بگیرد. البته مذاکره سیاسی به این معنا نیست که در هر شرایطی به همدیگر لبخند بزنیم، بلکه باید گاهی اوقات انتقادات و خطوط قرمز را هم به طرف مقابل گوشزد کرد. بنابراین جا دارد در کنار سفرهای آقای پزشکیان به جمهوری آذربایجان، سفرهای موازی به گرجستان و خود ارمنستان انجام شود و در این مدت، سیاست دکتر پزشکیان در منطقه قفقاز را مفید ارزیابی می‌کنم. اما باید دیپلماسی مرتبا فعال باشد و نباید سراغ تهدید همسایگان رفت و هم‌زمان خطوط قرمز خودمان را هم مطرح کرده‌ایم.

یادداشت

صداهایی که باید شنیده شوند

ادامه از صفحه ۲

باید به صدای خبرنگاران گوش سپرد؛ صدای آنان وقتی از محدودیت‌ها یا فشارهای اقتصادی می‌گویند، نه شکایت شخصی، بلکه هشداری اجتماعی است. این هشدارها، بخشی از همان «صداهایی که باید شنیده شوند» هستند؛ چراکه اگر خبرنگار نتواند آزادانه ببیند و بگوید، دیگران نیز شنیده نخواهند شد.

در این روز، تجلیل از خبرنگاران یعنی تجلیل از حقیقت‌جویی. یعنی ایستادن در کنار آنان که با گام‌های استوار، در جاده‌های پرخطر خبر حرکت می‌کنند. خبرنگار اگر گوش ندهد و نبیند، اگر فریاد خاموشان را منتقل نکند، وجدان حرفه‌ای خود را از دست می‌دهد.

«صداهایی که باید شنیده شوند» یادآور این است که هیچ حقیقتی نباید در غبار فراموشی گم شود و هیچ رنجی نباید بی‌گزارش بماند. خبرنگار با هر کلمه، راهی برای عبور نور از دل تاریکی می‌گشاید. او پاسدار حق مردم برای دانستن است؛ حقی که اگر فروگذار شود، آزادی معنای خود را از دست خواهد داد. در روز خبرنگار باید به این وجدان‌های بیدار ادای احترام کرد. باید پذیرفت که جهان بدون خبرنگاران شجاع، جهانی خاموش و بی‌خبر خواهد بود. باید دانست که صدای عدالت، صدای حقیقت و صدای مردم، تنها با وجود آنان است که پژواک می‌یابد و این صداها، همان صداهایی‌اند که باید شنیده شوند.

واکاوی ابعاد ژئوپلیتیک توافق سه‌جانبه جمهوری آذربایجان، ارمنستان و آمریکا در گفت‌وگو با علیرضا محرابی

انفعال ژئوپلیتیک در قفقاز

شرق: توافق سه‌جانبه جمهوری آذربایجان، ارمنستان و آمریکا که به ایجاد «مسیر ترامپ» می‌انجامد، نقطه عطفی در ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی و معادلات مرزی ایران محسوب می‌شود. این کریدور با اتصال جمهوری آذربایجان به نخجوان از طریق خاک ارمنستان، نه‌تنها یک گذرگاه تجاری است، بلکه ابزاری برای بازتعریف موازنه قدرت در منطقه است. از منظر ایران، پیامد این پروژه دوگانه است؛ از یک سو، امکان ایجاد ارتباطات ریلی و جاده‌ای جدید می‌تواند فرصت‌هایی برای افزایش تعاملات ترانزیتی و تجاری فراهم کند و از سوی دیگر، حضور مستقیم آمریکا به عنوان ناظر و طراح کریدور، خطر نفوذ بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مجاورت مرزهای شمال غربی ایران را به همراه دارد. این امر می‌تواند بر سازوکارهای همکاری منطقه‌ای مانند فرمت ۳+۳ تأثیر منفی گذاشته و نقش ایران را در تنظیم معادلات قفقاز کاهش دهد. به‌ویژه اگر مسیرهای ارتباطی بدون توجه به اصل تمامیت ارضی و منافع متقابل کشورهای منطقه اجرا شوند، ایران ممکن است با تغییرات ژئوپلیتیکی ناخواسته در مرزهایش مواجه شود. بنابراین، تهران نیازمند دیپلماسی فعال، رایزنی امنیتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی و ترانزیتی خود است تا ضمن استفاده از فرصت‌ها، از تهدیدات احتمالی این توافق بکاهد. برای بررسی دقیق‌تر ابعاد ژئوپلیتیک این توافق، به گفت‌وگو با علیرضا محرابی، تحلیلگر ارشد مسائل حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی نشسته‌ایم تا تحلیل او را دراین‌باره جویا شویم.

●●●

جناب محرابی، برای سؤال اول به شکل صریح از شما می‌پرسم آیا امضای توافق سه‌جانبه جمهوری آذربایجان، ارمنستان و آمریکا به معنای تحقق همان چیزی بود که تهران آن را به عنوان خط قرمز خود ذیل کریدور زنگزور مطرح کرده بود؟ به بیان دیگر، آیا آن چیزی که نگرانش بودیم به واقعیت پیوست و کریدور زنگزور با کارگردانی ترامپ تحمیل شد؟

در یک کلمه، بله.

چطور؟

من این را از زاویه جغرافیای سیاسی مطرح می‌کنم. هرگونه تغییری در اطراف مرزهای یک کشور می‌تواند نگرانی ایجاد کند، حتی اگر آن تغییر در حد یک خبر و حتی در حد یک توافق نمایشی باشد. من بارها در حوزه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این را به دانشجویان می‌گویم که منطق ژئوپلیتیک یک منطق رئالیستی است؛ یعنی همه چیز بر مبنای پارامترهای عینی و واقعی رخ می‌دهد. رقبای هر کشوری سعی دارند روی یک جاده، یک کوه، یک رودخانه یا یک حوزه جغرافیایی مشخص، برنامه‌ریزی خود را داشته باشند و نقشه ژئوپلیتیک منطقه را به نفع خود تغییر دهند. پس حتی اگر این توافق بین ترامپ، علی‌اف و پاشینیان در حد یک امضای یادداشت هم باشد، باید نسبت به آن نگران بود. خاطرم هست سال ۹۹ در گفت‌وگو با شخص شما هشدار داده بودم که هرگونه طرحی، حتی در حد طرح ذهنی، می‌تواند در آینده یک نوع تهدید ژئوپلیتیک باشد؛ چون می‌تواند زمینه را برای پیوند بین سیاست و دیپلماسی با واقعیت‌های میدانی فراهم کند و اکنون نگرانی‌هایی که پنج سال پیش به شما گفتم، محقق شده است. در حوزه ژئوپلیتیک، کشورها ترتیبات و ترکیبات خاص خود را دارند. گاهی بری و گاهی بحری هستند، یا ساحلی هستند، یا محیطی هستند، یا به عبارتی چندپاره هستند. جمهوری آذربایجان هم یک کشور دوپاره بود که نخجوان از آن جدا بود و اکنون با این طرح ترامپ یا مسیر ترامپ به هم وصل شده است. نگرانی عمده آنجاست که اکنون آمریکا مسئول اتصال این دو تکه، یعنی نخجوان و جمهوری آذربایجان، به همدیگر شده است. لذا از همین تریبون روزنامه «شرق» به صراحت عنوان می‌کنم که انفعال و ناکارآمدی ما در آرایش ژئوپلیتیک قفقاز پس از این توافق سه‌جانبه بیش از هر زمان دیگری مشهود شده است.

تعبیرتان قدری رادیکال نیست؟

به‌هیچ‌عنوان، چون تهران می‌بایست میزبان این نشست‌ها می‌بود؛ کمااینکه ایران می‌بایست نقش واسط بین آذربایجان، ارمنستان یا حتی ترکمنستان در کنار ازبکستان یا تاجیکستان در کنار افغانستان باشد. یعنی باید ایران‌محور و کانون هم‌گرایی دیپلماسی منطقه‌ای باشد. ایران باید دیپلماسی ابتکاری و فعال میانجیگرایانه مرزی و ژئوپلیتیک داشته باشد. حالا جالب اینجاست که جمهوری آذربایجان و ارمنستان به‌جای ایران، در آمریکا و در کاخ سفید توافق مرزی امضا می‌کنند. پس وقتی می‌گویم نگرانی جدی مشخصا در منطقه قفقاز مشهود است، کاملا براساس یک تحلیل آکادمیک و از منظر جغرافیای سیاسی مطرح شده است. هیچ‌گاه ادبیات من ادبیات سیاسی یا ایدئولوژیک نیست. من از منظر یک کارشناس ژئوپلیتیک سؤالم را تحلیل می‌کنم. فلات ایران از دیرینه، از زمان قدیم، محور و کانون تحولات ژئوپلیتیک بوده است. بنابراین، اکنون ایران باید این ظرفیت را برای خود حفظ می کرد که با سیاست بی‌طرفی فعال، میزبان تمام دیپلماسی‌های میانجیگرایانه بین تمام همسایگان می‌شد. من بارها گفته‌ام که باید استراتژی ما بی‌طرفی فعال در عین درگیرکردن سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی باشد که پنج سال پیش آن را در گفت‌وگو با خودتان پیشنهاد کردم. اما اتفاقا عکس آن را شاهدیم؛ نه استراتژی ما بی‌طرفی فعال بود و نه از ظرفیت نهادها و سازمان‌های بین‌المللی استفاده کردیم.

ارجاعی به همان مصاحبه پنج سال پیش داشته باشیم که انتقاد جدی به دولت روحانی و شخص ظریف و عراقچی در جنگ دوم قره‌باغ داشتید و گفته بودید تصمیماتشان در واقع پشت به معادلات قفقاز انجام شده است. اما اینجا یک انتقاد جدی‌تری به دولت چهاردهم وجود دارد، از این منظر که یک حلقه غیردیپلماتیک در برخی اقدامات، موضع‌گیری‌ها و تصمیمات دولت، نهایتا باعث شده تهران به شکل چراغ‌خاموش، پالس کلیدخوردن زنگزور را به باکو بدهد.

من از یک منظر کلان‌تر به موضوع نگاه می‌کنم. واقعا ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی ایران نیاز به یک سیاست‌مدار و رئیس‌جمهوری در حد کیسینجر و برژینسکی دارد؛ چون به قول گراهام فولر، ایران به دلیل ژئوپلیتیک خاص خود، قبله عالم است. حتی خود استراتژیست‌های آمریکایی مانند کیسینجر و برژینسکی هم اذعان دارند که ژئوپلیتیک ایران عملا این کشور را به گرانیگاه جهان تبدیل کرده است. از نظر ژئوپلیتیک، بعد از چین و روسیه، این ایران است که بیشترین همسایه را در جهان دارد؛ ۱۵ همسایه، یعنی ۱۵ ظرفیت ژئوپلیتیک، این یعنی ۱۵ دروازه، ۱۵ کریدور و ۱۵ فرصت. حالا یکی پس از دیگری شاهد بسته‌شدن این فرصت‌ها و کریدورها هستیم. اینجاست که ما به یک رئیس‌جمهوری در حد کیسینجر و برژینسکی نیاز داریم. لذا انتقاد من به روحانی، رئیسی، پزشکیان یا فرد خاصی نیست. موضوع اینجاست که ظرفیت استراتژیک ایران، سیاست‌مدار و دیپلمات کارکشته و وطن‌پرستی نظیر هاوس هافر یا مستر ایکس (جورج کنان) می‌خواهد که به شکل موازی برای تک‌به‌تک این ظرفیت‌ها و همسایگان و رقبا برنامه و کار کارشناسی داشته باشد. اصلا رئیس‌جمهور به کنار، کدام‌یک از سفرای ما توانستند در محل مأموریت خود یک کار کارشناسی، گزارش تحلیلی و یک برنامه جامع، دقیق و منسجم ژئوپلیتیکی ارائه کنند؟ این در حالی است که فردی مانند جورج کنان از سال ۱۹۴۵ و دوره ریاست‌جمهوری هری ترومن به مدت ۱۵ سال سفیر آمریکا در مجارستان و مسکو می‌شود و تک‌به‌تک گزارشات تحلیلی خود را به اسم مستر ایکس می‌نوشت و مجوز آن را هم نداده بود که نامش در گزارشات ذکر شود که بعدها مشخص شد همین جورج کنان در این گزارشات خود برای ایالات متحده آمریکا چه طرح‌هایی برای شکست شوروی و عدم وقوع جنگ داشت. این وزن یک سفیر است. حالا کدام‌یک از سفرای ما در این ۱۵ همسایه توانستند چنین کاری انجام بدهند؟ پس مسئله این نیست که ما مرتبا سفر کنیم، مراوده داشته باشیم و عکس یادگاری بیندازیم؛ مسئله اینجاست که چه طرحی برای همسایگان داریم؟ بله، در مورد این مسئله، حلقه‌ای که در دولت مطرح بود و حتی انتقاداتی هم به بلندشدن پزشکیان پای الهام علی‌اف مطرح شد. من کاری به مسائل و حواشی ندارم، من حتی کاری به تیم تشریفات و انتقادات به آنها هم ندارم. مهم اینجاست که مسئولیت رئیس‌جمهور در ارتباط چشمی، بدنی و کلامی با همتایانش درباره مسائل ژئوپلیتیک باید با واکنش مناسب همراه باشد.

حالا که حضرت‌عالی نگاه رادیکال دارید، این سؤال رادیکال را هم بپرسیم که واقعا بعد از این توافق سه‌جانبه، اسرائیل در قره‌باغ با ایران هم‌مرز شد و آمریکا هم در ارمنستان؟

اگر پاسخ صریح و یک کلمه‌ای می‌خواهید، بله.

این نوع خفگی یا حذف ژئوپلیتیک ایران ادامه خواهد داشت؟ چون ما چند هکتار از زمین‌های شرقی را پشت دیوار مرزی با طالبان قرار دادیم که گویا قرار نیست حتی یک سانت آن را هم به کشور پس بدهد. در کنار آن، شاهد کلیدخوردن کریدور زنگزور خواهیم بود و...

من دوباره از منظر جغرافیای سیاسی و به عنوان یک استاد دانشگاه می‌گویم مسئله اینجاست که ما هیچ‌گاه از نگاه یک کارشناس به مسائل مرزی نگاه نکرده‌ایم که مرز را به درستی فهم کرده باشد؛ چون مرز نظام عرفی، نظام حقوقی و نظام دیپلماتیک، نظام تاریخی و نظام قراردادی خاص خود را دارد که باید روی تک‌به‌تک این نظام‌ها کار کارشناسی انجام شود. اما در وزارت امور خارجه اکنون هیچ کارشناسی وجود ندارد که بتواند در حوزه ژئوپلیتیک و شناسایی مرزها، چه در قالب خط القعر، چه در قالب نظام حقوقی خط مستقیم یا نظام حقوقی خط مبدأ، دست به تعیین مرزها بزند.

وقتی ما بدون کار کارشناسی، بدون استفاده از ظرفیت دانشگاهی و آکادمیک و صرفا از منظر امنیتی یا کار پلیسی و مرزنشینی و بدون هیچ‌گونه تحقیقی، ۵۰۰ متر در داخل خاک خودمان یک دیوار مرزی درست می‌کنیم، نتیجه آن هم وضعیت کنونی می‌شود که طالبان خاک ما را اشغال کرده است. در صورتی که باید استادان دانشگاه قبل از هر کاری بررسی‌های آمایشی و محیطی را انجام می‌دادند. در حالی که اکنون، مسئله خود تأسیس دیوار بماند، حتی بادهای ۱۲۰روزه در استان سیستان‌وبلوچستان باعث شده که خود این دیوارها در میان شن‌ها دفن شود و به‌راحتی مردم روی همین دیوارهای شنی از مرزها عبور می‌کنند. پس وقتی کار کارشناسی انجام نمی‌شود، از استادان دانشگاه و تحلیلگران حوزه ژئوپلیتیک بهره نمی‌برند، نتیجه آن هم بهتر از این نخواهد بود و اکنون آن ۴۷کیلومتری که دیوار کشیدند، کارکرد خود را از دست داده است.

در صورتی که اگر کارشناس آنجا بود، می‌دانست که دیوار برای مرز در سیستان جواب نمی‌دهد، باید از برخی ابزارها استفاده کرد که هم برای تعیین مرز استفاده شود و هم به‌راحتی شن‌ها از آن عبور کند. در مسائل جزایر سه‌گانه هم همین‌طور است. در کنار تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، ما جزایر آریانا و زرین‌کوه را داریم که دست امارات است و حدود ۹۰ درصد نفت آنها هم از این جزایر است. متأسفانه این نوع تعصبات باعث می‌شود که ما از کار کارشناسی و حوزه ژئوپلیتیک غافل شویم. ما باید کارشناسان واقعی را در بدنه وزارت خارجه، وزارت کشور، وزارت دفاع و نیروهای نظامی به کار بگیریم.

من همین‌جا از تریبون روزنامه «شرق» اعلام می‌کنم که در سال‌های آینده از نظر محیط‌زیستی و... بحران‌هایی جدی در مرزهایی مانند سیستان‌وبلوچستان یا خوزستان خواهیم داشت. مشکلات جدی در مرزهای کردستان خواهیم داشت، در تنگه الله‌اکبر، گردنه ذوالفقار و سایر جاها. این مشکلات جدی است و من دارم این هشدارها را می‌دهم. در حوضه خراسان نیز همین‌طور. واقعا من از سر احساس حرف نمی‌زنم؛ این پارامترها و واقعیت‌های جاری در حوزه زیست‌محیطی، مرزشناسی و ژئوپلیتیک است. وقتی از نظر تراکم، پراکندگی و آمایش سرزمینی، مردم به دلیل همین مشکلات، مرزها را خالی می‌کنند، طبیعتا مهاجران جای آنها را خواهند گرفت و این تبعات و بحران‌های بعدی را به دنبال دارد.

جناب محرابی، اما چرا الان؟ آیا به دلیل اینکه ما بعد از جنگ ۱۲روزه شاهد تمرکز روی مسائل داخلی، آینده مبهم مذاکرات هسته‌ای، مسائلی مانند فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها با احتمال جنگ مجدد اسرائیل هستیم، فرصت برای این دست اقدامات در قفقاز فراهم آمده است؟

ببینید، ما در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی چیزی به اسم «سیاست پیوند» (linkage policy) داریم. وقتی رقیب و دشمن تو کشوری مانند آمریکا یا رژیمی مانند اسرائیل است، طبیعتا همه تحولات از سوریه، لبنان و فلسطین تا یمن، قفقاز، افغانستان و پاکستان را به همدیگر مرتبط می‌بینند؛ چراکه اینها اساسا به تحولات سیاست خارجی موضوعی نگاه نمی‌کنند و در قالب سیاست پیوند، مسائل را تعریف می‌کنند. یعنی در قالب مکعب بحران، در جاهایی که مفصل‌بندی لازم وجود دارد، بحران‌ها روی همدیگر قرار بگیرند، می‌توانند منافع و حوزه نفوذ را در برابر ایران شکل بدهند. پس تمام اقدامات، از خاورمیانه تا قفقاز، آسیای میانه و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، در همین چارچوب سیاست پیوند قابل بحث و تعریف است.

و هدف غایی این سیاست پیوند چیست؟

قفل سرزمینی ایران؛ چون وقتی کشوری مانند ایران در حوزه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک دچار قفل سرزمینی شود، معادلات علیه شما خواهد بود. دشمن و رقیب شما در قالب سیاست پیوند، مفصل‌بندی بحران‌ها را ایجاد کرده که سبب شکننده‌ترشدن وضعیت شما در منطقه خواهد شد و شرایط را به سمتی خواهند برد که در آینده حتی نیازی به مذاکره با ایران وجود نداشته باشد و شما دچار خفگی ژئوپلیتیکی می‌شوید. به هر حال، دشمنان و رقبای ایران می‌دانند که الان نقطه قوت ما، توان ژئوپلیتیکی در قالب مذاکرات است. بنابراین، با سیاست پیوند و مفصل‌بندی بحران، به دنبال گرفتن همین برگ برنده و نقطه قوت ما هستند و آن هم در قالب قفل سرزمینی شکل خواهد گرفت. حالا اینکه در سال‌ها و دهه‌های گذشته، چه در هرم قدرت و چه در رژیم قدرت، برخی اقدامات و تصمیمات درست اجرائی نشد و ما به نقطه بحرانی کنونی رسیده‌ایم، جای بحث جداگانه دارد. اما اکنون این قفل سرزمینی به دنبال گرفتن برگ‌های برنده از ایران است. من در ترجمه کتابی به نام رویکرد تخصصی به استراتژی و امنیت ملی، اشاره داشته‌ام که محیط استراتژیک نیازمند ارزیابی استراتژیک و ارزیابی استراتژیک نیازمند اقدام استراتژیک است. در این سه سطح، رقبا و دشمنان ایران در محیط استراتژیک ما به این ارزیابی استراتژیک رسیده‌اند که برای اقدام استراتژیک، به دنبال قفل سرزمینی ما باشند. یعنی ما به جایی برسیم که برای هرگونه تحرکی در پیرامون خود، نیازمند موافقت با این رقبا و دشمنان باشیم. وقتی در دهه‌های گذشته، هشدارهای دلسوزان دانشگاهی نادیده گرفته می‌شود، قطعا در آینده برای حضور در قفقاز باید چراغ‌سبز آمریکا را بگیریم و باید پول آن را بدهیم. در ژئوپلیتیک نوین باید از منطق تضاد به منطق اقتصادی و تجاری رسید. کاری که دونالد ترامپ کرد؛ از تضاد بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان، بهره اقتصادی و تجاری برای آمریکا برد. کاری که ما باید قبل‌تر انجام می‌دادیم و از تضاد بین باکو و ایروان برای خودمان استفاده اقتصادی می‌کردیم.

طیفی از ناظران هشدار می‌دهند که مسائل اقتصادی و تجاری تنها روبنای موضوع است و امکان دارد واشنگتن در زیربنا به دنبال معادلات ژئوپلیتیک، نظامی و امنیتی باشد؛ کمااینکه به بهانه تأمین امنیت همین مسیر، ترامپ به دنبال اعزام نیرو و احداث نیروگاه و پایگاه در کنار مرزهای ایران باشد؟

به نکته بسیار مهمی اشاره کردید. ما که ذهن‌خوان نیستیم و نمی‌دانیم در سر آمریکا چه می‌گذرد، اما می‌دانیم که واقعیت‌های ژئوپلیتیک برای چه زاییده و استفاده می‌شوند. پاسخ اصلی همین ایده‌ها و تفکرهایی است که رقبای ما دارند. مثلا در یک نقطه سرزمینی که اختلافی وجود نداشته، اختلافی ایجاد کرده و بعد برای حل آن اختلاف، راه‌حل می‌دهند و نهایتا ژئوپلیتیک خاص خود را ترسیم و تعریف می‌کنند. من حتی همان سال ۹۸ که کریدور زنگزور روی کاغذ بود، گفتم که داریم با یک واقعیت ژئوپلیتیک مواجه می‌شویم که منطق اقتصادی دارد و نباید بی‌توجهی کرد و اینکه هم‌اکنون زیربناهای آن در حال تکمیل است. حالا گزاره جدیدی در کنار مرزهایمان ایجاد شده که ناخواسته تبعات سیاسی و امنیتی آن در آینده بیشتر خود را نشان خواهد داد.

خبر

جلسه سران قوا به میزبانی پزشکیان

ایسنا: نشست مشترک مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور، محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی و حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، سران قوای مجریه، مقننه و قضائیه ظهر دیروز شنبه ۱۸ مرداد به میزبانی رئیس‌جمهور در نهاد ریاست‌جمهوری برگزار شد.

ولایتی: ایران با روسیه یا بدون او مانع کریدور آمریکایی در قفقاز می‌شود

مشاور مقام معظم رهبری تأکید کرد ایران با روسیه یا بدون او مانع احداث کریدور آمریکایی در قفقاز خواهد شد؛ چراکه این کریدور امنیت منطقه را تهدید می‌کند و نقشه ژئوپلیتیکی آن را تغییر می‌دهد.

علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل، در گفت‌وگو با تسنیم، در پاسخ به سؤالی درباره اقدام اخیر دونالد ترامپ، رئیس دولت آمریکا، درباره کریدور موسوم به «زنگزور» و ادعای او مبنی بر اجاره این گذرگاه به مدت ۹۹ سال گفت: مگر قفقاز جنوبی یک منطقه بی‌صاحب است که ترامپ آن را اجاره کند؟ قفقاز یکی از حساس‌ترین نقاط جغرافیایی دنیاست و این گذرگاه نه به دالانی در مالکیت ترامپ، بلکه به گورستانی برای مزدوران ترامپ تبدیل خواهد شد.

او با تأکید بر مخالفت همیشگی ایران با شکل‌گیری چیزی به نام کریدور زنگزور، در توضیح دلایل مخالفت ایران تأکید کرد که این کریدور موقعیت ژئوپلیتیک منطقه را تغییر می‌دهد، مرزها را جابه‌جا می‌کند و در راستای تجزیه ارمنستان طراحی شده است.

مشاور مقام معظم رهبری در امور بین‌الملل با اشاره به اقدامات محکم ایران در نشان‌دادن مخالفت کشورمان با راه‌اندازی این کریدور توطئه‌آمیز گفت: زمانی که ترکیه و جمهوری آذربایجان در احداث این کریدور بر خواسته خود اصرار کردند، نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران به فرماندهی سپهبد شهید باقری (رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح ایران) رزمایش‌های متعددی در شمال غرب ایران انجام دادند که نشان‌دهنده آمادگی و جدیت کشورمان برای جلوگیری از این اقدام بود.

ولایتی با تأکید بر اینکه «اجاره کریدور توسط یک کشور دیگر یک حرف ساده‌لوحانه است و ترامپ خودش را به ساده‌لوحی می‌زند»، تصریح کرد: این ادعا، یعنی اجاره کریدور در این سوی دنیا توسط ترامپ، مثل آن است که کسی از این سوی دنیا برود و کانال پاناما را برای خود اجاره کند. این حرف غیرممکنی است و اتفاق نخواهد افتاد.

او با اشاره به اینکه «ترامپ مانند همیشه حرف‌های پرزرق‌وبرق ولی بی‌محتوا می‌زند»، ادامه داد: ترامپ فکر کرده است که بنگاه معاملات ملکی است و می‌خواهد سرزمین یا منطقه‌ای را اجاره کند.

سازمان خصوصی سازی
IRANIAN PRIVATIZATION ORGANIZATION

«خلاصه آگهی عرضه عمومی»

نوبت اول

سازمان خصوصی‌سازی در نظر دارد در اجرای مصوبه هیئت واگذاری و سایر قوانین و مقررات مربوطه، واحدهای ممتاز "صندوق سرمایه‌گذاری پالایشی یکم" و همچنین سهام شرکت‌های «فرهنگی ورزشی استقلال ایران» و «فرهنگی ورزشی پرسپولیس» به شرح جداول زیر را عرضه و واگذار نماید. ضمناً نسخ تکمیلی این آگهی، در پایگاه اینترنتی سازمان خصوصی‌سازی به نشانی www.ipo.ir (قسمت آگهی‌های عرضه اصل ۴۴) در دسترس می‌باشد.

نام	روش عرضه	تعداد واحدهای ممتاز قابل واگذاری*	ارزش پایه کل واحدهای ممتاز قابل واگذاری (ریال)	شرایط تسویه ثمن معامله	تاریخ برگزاری مزایده
صندوق سرمایه‌گذاری پالایشی یکم	مزایده	۱۰۰،۰۰۰	۶.۱۱۸.۶۵۵.۰۰۰.۰۰۰	کلاً نقد	۱۴۰۴/۰۶/۰۹

* میزان کل واحدهای ممتاز به تعداد ۱۰۰،۰۰۰ می باشد؛ که تماماً متعلق به شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران است.
واگذاری واحدهای ممتاز با رعایت «دستورالعمل اجرایی روش انتخاب مشتریان راهبردی (استراتژیک) و احراز و پایش اهلیت مدیریتی در واگذاری‌ها» انجام می‌شود.

ردیف	نام شرکت	روش عرضه	میزان سهام قابل عرضه		ارزش پایه کل(ریال)	شرایط تسویه ثمن معامله	تاریخ عرضه
			تعداد	درصد			
۱	فرهنگی ورزشی استقلال ایران	فرابورس	۳۳۴،۵۲۵،۶۵۰	۳/۱	۵۱۸،۸۴۹،۲۸۳،۱۵۰	کلاً نقد	مطابق اطلاعیه فرابورس
۲	فرهنگی‌ورزشی پرسپولیس		۴۸۳،۶۹۰،۶۹۰	۴/۶	۸۳۲،۹۱۵،۳۶۸،۱۸۰		

شناسه آگهی ۱۹۷۹۶۳۵ م الف ۱۷۱۸